



جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۸۶ ■ ۳۰ دی ۱۴۰۰

نوجوان



عطیه ضرابی



پیام‌های خود را به
بست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.
info@jamejandaily.ir

شماره پیامک
۳۰۰۱۲۲۳۳
نیز راه ارتباطی
دیگر ما
با شماست



صاحب چرند و پرند

می‌آورد که: «یاد هخدا! حال که چنین است پس زخم‌هایمان چه؟» علامه نیز در جوابش مرقوم می‌فرماید که: «گاز استریل ببندید و زرده تخم‌مرغ جای مرهم بگذارید و بدانید محل عبور نور زخم بستر نیست! لذا پاشید گمشد برید جهاد علمی کنید!»

بعد از آن علامه دهخدا می‌رود سراغ عملیات مهم بیرون کشیدن مواز ماست لغات! و به این ترتیب یکی از مهم‌ترین لغت‌نامه‌ها را تدوین می‌کند و ادبیات فارسی را یک-هیچ جلو می‌اندازد!

از آنجا که بدیهی است و همه ما می‌دانیم که «بسیار سفر باید؛ تا پخته شود خامی»، دهخدا را به سفرهای اجباری می‌فرستادند تا پخته شود. در اسناد و مدارک باقی‌مانده از آن سال‌ها داریم که نوشته‌اند در سفرها و تبعیدهای آخر، دهخدا دیگر آب‌پز شده بود و پوستش آن قدر شل شده بود که مثل پنیر پیتزا کش می‌آمد! یک نمونه‌اش همان وقتی است که بعد از کودتای محمد علی شاه در سفارت پراز دید به انگلیس بست نشستند.

آن قدر محکم و سفت سر جایشان دست به سینه نشستند که گماشتگان سفارت با کاردک هم نتوانستند آنها را از سطح زمین جدا کنند! محمد علی شاه هم که حرصش درآمده بود و می‌خواست هرچه زودتر از دست دهخدا و بست‌نشینان همراهش خلاص شود؛ دستور داد که آنها را برای مدتی به پاریس تبعید کنند تا بروند هوایی تازه کنند! همان آب خنک خوردن خودمان، منتها افزون بر تیش‌ان فیش‌ان‌های رنگ و لعاب دار خارجی‌ها و آب و هوای بلوندپورشان!

البته فکر نکنید که قلم دهخدا با تبعید و این حرف‌ها بسته شده! نه... اتفاقاً هم در آنجا و بعد از آن در سوئیس، از زیر سنگ هم که شده کاغذ و چاپخانه پیدا کرد و به نوشتن ادامه داد و سه شماره چاپ کرد؛ طوری که مرحوم فردوسی از آرامگاه خود بلند شد و دست و جیغ و هورا کشید و توس به لرزه درآمد!

جنگ جهانی اول که تمام شد؛ دهخدا یک نفس راحت کشید و جامه سیاست از تن به درآورد و رفت که دنبال کار فرهنگی را بگیرد! مثل این‌که در کشور ما مرسوم است مردان سیاست، پس از چند سال کار در آن فضا، هوس کار فرهنگی به

آن ادیب، آن مرد عجیب و غریب، آن لغت‌شناس، آن در فهرست اهل ادب آس!، آن کتاب‌باز، آن لغت‌ساز، آن چرند و پرند نویس معاصر، آن نویسنده شاعر، آن پسر خان‌بابا، بنیانگذار صوراسرافیل، علی‌اکبر دهخدا، از آن آدم‌هایی بود که در دقایق اول زندگی‌اش متولد شد و در ثانیه‌های آخر زندگی‌اش چشم از جهان فرو بست.

در نسخ خطی آورده‌اند از کودکی که در محله سنگلج متولد شد تا لب گور، آرزویش این بوده که در صوراسرافیل بدمد و در امورات خداوند دخالت کند اما چون رسیدن به شیپور جناب اسرافیل به این راحتی‌ها نبوده و تا روز رستاخیز محبوس مانده و احتمالاً گرد و غبار روی آن نشسته؛ علی‌الحساب با کمک جهانگیرخان شیرازی و قاسم‌خان تبریزی، شروع به نوشتن نشریه‌ای با عنوان صوراسرافیل کردند تا اگر غم بر قلب دهخدا ننشیند؛ علی‌اکبرخان هم که با این کار کمی آتش عشق درونش به شیپور و این جور ابزار آلات کم شده بود؛ آرام گرفت و شروع کرد به چرند و پرند نوشتن! یک چرند و پرندی می‌گویم یک چیزی می‌شنوید! آن قدر چرند و پرند نوشت که عوامل نشریه خیال کردند که دهخدا قصد سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های پرند در سده پیش رو را دارد! اما به هر حال یک ستون به او دادند و گفتند: دهخدا! این ستون را بگیر و محتوای چرند و پرند را در آن خالی کن! و این‌گونه شد که کتاب چرند و پرند دهخدا نوشته شد و ما هم شدید چرند و پرند خوان!

این جمله را علما می‌دانند از آنجا که دهخدا علامه بوده و علامه بودن یعنی سیر تا پایا علوم زمانه خود را دانستن، پس در عرصه سیاست هم، شیخ ما چندین نظر ارائه داده و اصلاً آغاز پژوهش برای لغت‌شناسی هم از همین جا شروع شد! در تاریخ مجل و پرفراز و نشیب ایران آورده‌اند روزی علی‌اکبرخان برافروخته می‌شود؛ لذا مریدان و خوبان و شاگردان و غمگساران و حضار همی می‌پرسند: «تورا چه شده یا شیخ؟» که دهخدا شروع می‌کند و از اوضاع مملکت گلایه می‌کند و می‌گوید باید سلاح‌مان را قوی کنیم!

حضار از جا بلند می‌شوند و می‌روند که سریع و فوری، شمشیرها و پنجه‌بکس‌ها و کلاشینکف‌ها را تیز و مجهز کنند که دهخدا فریاد می‌زند: «صبر کنید باهوش‌ها! سلاح ما قلم ماست!» و آنگاه یک شخص بی‌ربطی سر بر



کلیه مدارک برگ سبز سند کمپانی و کارت خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ رنگ مشکی متالیک شماره انتظامی ایران ۵۳-۷۶۱ س ۹۲ شماره موتور 82656305 شماره شاسی 10FSM84599406 به‌نام سید حامد موسوی سهر فروزانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز سواری سمنند ایکس ۷ رنگ تیره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۲ شماره موتور 32908213554 شماره شاسی 82213711 شماره پلاک ۱۲۵ ا ۸۱ ایران ۴۶ به‌نام سید محمد (میرسعید) مستشاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو کامیونت یخچال‌دار ایسوزو مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۷۱-۲۴۶ ع ۷۳ شماره موتور 721390 شماره شاسی NAGNKR55E08708736 به‌نام حسین رئیسی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند مالکیت موتورسیکلت هرمز CG۱۲۵ مدل ۸۵ مشکی به شماره پلاک ۴۱۱۳۴ ایران ۱۲۶ شماره شاسی 8538002 و شماره موتور 65001183 به‌نام محمد جلالیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.